

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۲ جنوری ۲۰۲۲

تشدید بحران در نظام حاکم و تعمیق جنبش‌های توده‌ئی

نگاهی به شرایط کنونی حاکم بر جامعه تحت سلطه ما برای هر ناظر بی طرف شکی باقی نمی گذارد که نظام حاکم در معرض یکی از شدیدترین و عمیق ترین بحران های چند دهه اخیر خود به سر می برد. در دل این اوضاع ملتهب و بی سابقه در حالی که از هر سو، حتی در میان طبقه استثمارگر حاکم- زمزمه تشدید تضادها و در نتیجه غیر قابل اجتناب بودن وقوع موج بزرگتری از شورش گرسنگان به گوش می رسد، مردم شجاع ما به طور روزمره در خیابان ها آرزوی ۴۳ ساله خود مبنی بر مرگ ظالمان و جمهوری اسلامی را سر می دهند و از این که آنها همه چیز را نابود کردند صحبت می کنند.

این سخنان، بیانگر درد کارگران به جان آمده، کشاورزان به پا خاسته، معلمان ستمدیده و بازنشستگان محروم در تجمعات توده‌ئی اخیر است که گوشه ای از غلیان آتشفشان خشمی که جمهوری اسلامی در جامعه ساخته است را در روحیات رزمجویانه توده های به جان آمده و مبارز علیه نظم حاکم منعکس می کند. اما آیا این بحران غیر قابل انکار، این روحیه رادیکال و قابل تقدیر توده ها و ناتوانی جمهوری اسلامی برای پاسخ به ابتدائی ترین خواست های اکثریت مطلق جامعه، به خودی خود به معنای وقوع دیر یا زود یک تغییر دموکراتیک و انقلابی به نفع مردم زجر دیده ما خواهد بود؟ این سوالی ست که ذهن هر نیروی مردمی و آزادیخواه را به خود مشغول کرده است. برای پاسخ به این سوال باید در برخی از مشخصه های برجسته شرایط کنونی در ایران تعمق نمود:

گسترش و تعمیق جنبش‌های توده‌ئی

یک نشانه برجسته بحران کنونی، تعدد و وسعت گیری اعتراضات کارگران و دیگر توده های به جان آمده کشور است. به موازات شدت گیری بی وقفه تضادهای طبقاتی و به تبع از آن، روند دائم التزاید فقر، بیکاری، گرانی و تورم و نتایج فاجعه بار آن یعنی گرسنگی و بی خانمانی، شاهد سقوط حیات و معاش روزمره لایه های بیشتری از طبقات فرودست و استثمار شده هستیم. در نتیجه طبقات محروم برای صیانت از هستی و شرف خود به مقاومت برخاسته و ورود اجتناب ناپذیر نیروی متراکم آنها به صحنه اعتراضات اجتماعی به یک پدیده روزمره تبدیل شده است. در حالی که هنوز چند صباحی از به خاک و خون کشیدن اعتراضات دلیرانه کشاورزان و مردم اصفهان و شهرکرد برای حقابه توسط رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی نمی گذرد، شعله های اعتراضات و اعتصاب وسیع ده ها هزار تن

از معلمان زحمتکش زبانه کشید و برجان استثمارگران حاکم و رژیم آنها افتاد. معلمان کشور که اکثریتشان در زیر خط فقر روزگار می گذرانند، با خواست همسان سازی حقوق ها، رتبه بندی و حق داشتن تشکل مستقل صنفی در ده ها شهر کشور به خیابان ها آمدند و در مقابل مراکز دولتی دست به تجمع زدند. تا علیه ۴۳ سال ظلم و سرکوب جمهوری اسلامی فریاد زده و خواهان احقاق حقوق بر حق خویش شوند.

اعتراضات معلمان که با پشتیبانی وسیع مردم (از جمله در شیراز) و همچنین دانش آموزان آگاه (از جمله در مریوان) روبرو شد، در حالی به وقوع پیوسته و به رغم سرکوب و بگیر و ببند آنها ادامه یافته که چندین ماه است که بازنشستگان رشته های مختلف اقتصادی نیز در شرایطی که جانیشان از حقوق های ناچیز و زندگی در زیر خط فقر به لبشان رسیده در ده ها شهر کشور به طور روزمره در مقابل ارگان ها و نهادهای دولتی تجمع کرده و به رغم تهدید و پیگرد و دستگیری و سرکوب از سوی حاکمیت برای نیل به حقوق اولیه خویش یعنی حق "منزلت و معیشت"، حق حیات و آزادی جنگیده و بنیان های رژیم جمهوری اسلامی را به چالش کشیده اند.

در میانه این آتشفشان، شعله های آتش اعتراضات و اعتصابات مداوم و گسترده تحت ستم ترین طبقه جامعه، یعنی طبقه کارگر در جدال با فقر و گرسنگی، عدم پرداخت حقوق، اخراج های روزمره و عدم برخورداری از کمترین امنیت شغلی و تشکل های مستقل، زبانه می کشد و هر روز تعداد بیشتری از کارگران تحت ستم را با سردادن رادیکالترین شعارها به اعتصاب و اعتراض وا می دارد. جامعه ما به طور روزانه شاهد ده ها اعتصاب و اعتراض کارگری بوده است. تنها در تابستان امسال ده ها هزار کارگر صنایع نفت و گاز و پتروشیمی دست از کار کشیدند و یکی از گسترده ترین و طولانی ترین اعتصابات کارگری دوران حیات جمهوری اسلامی را کلید زدند.

تراکم تضادهای طبقاتی و ناتوانی جمهوری اسلامی و نظام پوسیده حاکم در پاسخ به ابتدائی ترین خواست های توده ها یعنی نان، آب، کار، مسکن و آزادی و مسدود کردن هر گونه روزنه اجتماعی برای بیان اعتراضات فزاینده توده های به جان آمده، منجر به وقوع سلسله جنبش های بزرگ توده ای و حتی بروز نشانه های موقعیت انقلابی در جامعه گشت که خود را دو انفجار اجتماعی شدید در دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ در سطح جامعه نشان دادند. در جریان این قیام های توده ای خودبخودی و دلیرانه، صدها هزار تن از کارگران و زحمتکشان و جوانان و ... در سراسر کشور با رادیکالترین شعارها نظیر "مرگ بر جمهوری اسلامی"، رژیم حاکم را به جنگ طلبیده، به مراکز سرکوب و ایدئولوژیک آن حمله برده و فریادهای سرنگونی رژیم حاکم، رهبر نظام، اصل ولایت فقیه و تمام جناح های ضد مردمی حکومت را سر دادند. رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی تنها با قتل عام و دستگیری هزاران تن از توده های قیام کننده قادر به سرکوب خونین و سرپوش گذاردن موقتی بر این انفجارهای توده ای گشت.

اکنون اگر جنبش توده ای سال ۸۸ را نقطه عزیمت برای ظهور یک شرایط و یا روند جدید مبارزاتی در جامعه در نظر بگیریم خواهیم دید که از این مقطع به بعد حکومت به رغم سرکوب وحشیانه قیام های توده ای که از آن سال تا کنون اتفاق افتاده، نه تنها هیچ گاه قادر به بازگشت و برقراری استیلا و "نظم" دوران پیش از سال ۸۸ نشده است بلکه توده های مصمم و به قیام برخاسته با پیشروی و نمایش آگاهی هر چه بیشتر مبارزاتی خود، راه شورش سال ۸۸ علیه حکومت را ادامه داده، در جریان اعمال مستقیم خویش هر چه بیشتر رادیکالیزه شده و در سال ۹۶ و ۹۸ با اقدامات عملی و انقلابی خود، آخرین میخ های تابوت افسانه اصلاح پذیری نظام و اصلاح طلبان جلا را هم با اعمال و شعارهای انقلابی خود و سردادن قهرآمیزترین و رادیکال ترین شعارهای مبارزاتی علیه رژیم و نظام حاکم کوبیدند و با نشان دادن ضدیت خود با هر گونه دیکتاتوری چه در شکل رژیم پیشین و چه رژیم حاضر، ضرورت شورش و انقلاب اجتماعی برای کسب آزادی و برقراری یک نظام دموکراتیک را با ندائی هر چه نیرومندتر فریاد زدند. تا جایی که

امروز امر انقلاب و مبارزه قهر آمیز به مثابه یک ضرورت و نیاز جامعه بحران زده ما هر چه بیشتر به جلوی صحنه رانده شده است.

علاوه بر قیام‌های توده‌ی وسیع و قهر آمیز در سالهای اخیر، بر طبق آمار منتشره، تنها در بین فاصله‌ی دی ماه ۹۶ تا دی ماه ۹۷ حدود ۹۶۰۰ حرکت اعتراضی، تجمع، اعتصاب و شورش علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در سطح جامعه اتفاق افتاده که در طول حیات این رژیم وابسته و ضد مردمی بی سابقه بوده است؛ امری که منعکس کننده وخامت وضعیت معیشت توده‌ها، رشد روحیه مبارزاتی آنان و سست شدن هر چه بیشتر مشروعیت ادعائی و پایه‌های اجتماعی حاکمیت می باشد. با توجه به همین واقعیت یعنی پایگاه اجتماعی هر چه محدودتر شونده جمهوری اسلامی، طبقه حاکم برای حفظ موجودیت خویش و طبقه سرمایه دار حاکم، به طور دیوانه وار بر اهرم اصلی بقای میرنده خود یعنی ماشین سرکوب شامل ارتش و سپاه و وزارت اطلاعات و نیروی ضد شورش تکیه کرده و به منظور حفظ نظم ضد خلقی جاری، در جریان شورش‌های محرومان، حمام خون به راه انداخته است. علاوه بر کشتن و مجروح کردن چند هزار تظاهر کننده در جریان شورش‌های سال‌های ۹۶ و ۹۸، و زنجیره اعدام‌های وحشیانه دستگیر شدگان این حرکات و اعدام‌های جوانان آگاه و مبارزی نظیر کارگر مبارز نوید افکاری، سپاهچال‌های حکومت هنوز مملو از هزاران زندانی سیاسی از دستگیرشدگان این قیام‌هاست که با سرنوشتی نامعلوم مواجه می باشند.

با وجود نمایش اوج وحشیگری و جنایات توصیف ناپذیر حکومت، نظیر به رگبار بستن تظاهر کنندگان با سلاح سنگین دوشکا در نیزارهای ماهشهر، آویختن سنگ به اجساد شکنجه شده دستگیر شدگان و پرتاب آنها به درون دریاچه‌ها، شلیک به سر تظاهر کنندگان و کور کردن تظاهر کنندگان با فشنگ‌های ساچمه‌ای و ... آری با وجود همه این وحشیگری‌ها از طرف رژیم جمهوری اسلامی، رشد جنبش‌های توده‌ی که با خواست حداقل سرنگونی رژیم به میدان آمده‌اند و همچنین شمار و سرعت وقوع و توالی آنها پس از هر موج سرکوب عریان توسط حاکمیت، یکی از مشخصات برجسته بحران کنونی و نقطه امید آفرین آن می باشد. این اوضاع، به دست اندرکاران رژیم نشان می دهد که باید برای انتقام گرسنگان خود را حاضر نمایند!

دلایل اعتراضات وقفه ناپذیر و انفجار خشم توده‌ها در شرایط کنونی

زمینه اصلی بروز جنبش‌ها و شورش‌های توده‌ی در جامعه ما سلطه سیستم سرمایه‌داری وابسته است که امروز در یکی از بدترین بحران‌های خود به سر می‌برد. تحت سلطه چنین سیستمی است که شاهد سقوط معیشت ۷۰ درصد از آحاد جامعه به زیر خط فقر هستیم و می بینیم که گرسنگی و بیکاری، بی‌خانمانی و زباله گردی، فحشاء و اعتیاد و دزدی و فرزند فروشی به جزء جدائی ناپذیر حیات فاجعه بار مردم در زیر سلطه نظام سرمایه داری حاکم بر کشور ما تبدیل شده است. برای درک گوشه ناچیزی از شرایط طاقت فرسای اقتصادی حاکم بر زندگی توده‌های محروم، می توان برخی آمارهای خود حکومتگران را معیار قرار داد.

خبرگزاری ایلنا در توصیف ابعاد گرانی و عبور آن از "حد بحران" ضمن طرح قیمت چند قلم، گوشه‌ای از اوضاع سفره تقریباً خالی مردم به دلیل گرانی را به نمایش گذاشته است. مطابق این آمار در آبان امسال در مقایسه با ماه قبل یعنی مهر ۱۴۰۰، برنج با افزایش قیمت ۵۵ درصدی به هر کیلو ۴۹.۵۰۰ تومان، گوشت گوساله و گاو با افزایش ۳۶ درصدی هر کیلو ۱۴۶۰۰۰ تومان شیر با افزایش ۶۰ درصدی حدود ۱۳۵۰۰ تومان، سیبزمینی با افزایش ۷۱ درصدی هر کیلو ۷۸۰۰ تومان عرضه شده‌اند. ایلنا این مطلب را با عنوان "نرخ ۸۳ درصد اقلام خوراکی فراتر از حد بحران شد" به چاپ رسانده و نسبت به رشد قیمت‌ها "هشدار" داده است. در چنین شرایطی وقتی در توصیف

شرایط دهشتناک توده ها می شنویم که کارگران محروم تا ماهها دستمزدهای بخور و نمیر خود را دریافت نمی کنند و در صورت اعتراض، اخراج شده و یا شلاق می خورند و به زندان می افتند، جایی که اجاره دادن کودکان توسط والدین و فروش موی سر زنان و دختران برای بسیاری از محرومان، به تنها منفذی برای تامین یک لقمه نان خالی تبدیل شده، جایی که از دل بحران و اقتصاد کوچک شده یک اقلیت سرمایه دار زانو صفت با اتکاء بر قدرت و امتیازات دولتی برای خود در قلب باروهای حفاظت شده در بهترین نقاط کلان شهرها بهشتی درست کرده و "همبرگر" و "بستنی" های با "روکش طلا" می خورند و از دریافت شیشه های روغن زیتون درجه یک و بطری های گرانترین مشروبات الکلی در "پنت هاوس" هایشان توسط پهباد فیلم می گیرند و بیشرمانه برای فقرا پخش می کنند، آن هم در اوضاعی که درست در زیر پای آنها هزاران تن از زنان و مردان و کودکان محروم تا کمر در سطل های زباله همان ثروتمندان در حسرت یافتن لقمه ای نان یا غذای پس مانده تا کمر خم شده اند، بلکه در چنین شرایطی می توان به گوشه کوچکی از دلایل عمق خشم و نفرت توده هایی که برای نجات از این شرایط برده وار با دست خالی به خیابانها ریخته و سینه خود را سپر گلوله های مزدوران رژیم می کنند و با این وجود، مرگ جمهوری اسلامی و رهبر و مقامات آن را فریاد می زنند، پی برد.

چنین شرایط مادی دهشتناکی که توسط امپریالیست ها و سرمایه داران بومی وابسته بر حیات کارگران و توده های تحت ستم حاکم شده است، عامل اصلی اعتراضات وقفه ناپذیر و انفجار خشم مردم ستمدیده برای تغییر این شرایط است. بر زمینه این شرایط مادی، در عین حال باید به یاد داشته باشیم که مردم ما انقلابی را در سال ۱۳۵۷ از سر گذرانده و در پرتو آن انقلاب از یک طرف در میان آنان آگاهی اجتماعی به علل فقر و بدبختی در جامعه وجود دارد و از طرف دیگر مردم در جریان آن انقلاب چنان روحیه انقلابی ای کسب کردند که حتی در دهه ۶۰ خونین نیز علیرغم سرکوب ها و بگیر و ببندهای وحشیانه جمهوری اسلامی هرگز از مبارزه علیه این رژیم باز نایستادند. این مبارزه جوئی در شرایط بحران نظام و فشارهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی شدیدی که بر تودها اعمال می شود، خود عامل مهمی در تداوم مبارزات فداکارانه و تحسین برانگیز توده های تحت ستم ایران در شرایط کنونی است.

پاسخ دمکراتیک و مردمی به معضلاتی که در اثر سلطه نظام سرمایه داری وابسته بر توده ها تحمیل شده، هیچ گزینه ای جز یک انقلاب اجتماعی برای واژگون کردن مناسبات اقتصادی استثمارگرانه، نابودی استبداد حاکم و امحاء قطعی هر گونه وابستگی به امپریالیست ها ندارد، چرا که تا این سیستم باقی ست زیر حاکمیت هر رژیم سیاسی ای راه نجاتی از فقر و گرسنگی برای توده های تحت ستم وجود نخواهد داشت.

فهم و ترویج این حقیقت مهم در بطن شرایط کنونی در میان توده ها بسیار مهم است. چرا که به رغم تلاش فریبکارانی که با مشاهده خشم و نفرت عمیق به حق توده ها از رژیم جمهوری اسلامی در هر موج بحران و برآمد عظیم اجتماعی مستقیم و غیر مستقیم می کوشند تا خشم و تنفر کارگران و زحمتکشان و کانون توجه آنها را به سوی صرفاً رژیم تبهکار جمهوری اسلامی و یا از آن کمتر به صرف شکل مذهبی این رژیم معطوف سازند، واقعیت این است که ریشه اصلی استثمار، فقر و بیکاری و محرومیت و سرکوب پایان ناپذیر حاکم بر حیات و کار توده ها، نه در شکل رژیم سیاسی بلکه در نظام اقتصادی اجتماعی وابسته به امپریالیسم حاکم بر جامعه ما یعنی نظام سرمایه داری وابسته ست که جمهوری اسلامی از رژیم وابسته شاه تحویل گرفته و حافظ آن می باشد.

غیبت رهبری متشکل و انقلابی، پاشنه آشیل شرایط کنونی ست!

تمامی تضادهای موجود و رویدادهای جاری در سال های اخیر بیش از هر زمان بر رشد شرایط عینی انقلاب در جامعه تحت سلطه ایران تاکید نموده و ضرورت یک انقلاب اجتماعی برای از ریشه کنیدن تمامی آلام و مصیبت های کنونی گریبانگیر طبقات و اقشار تحت ستم را فریاد می کشند. اکنون در جامعه ما تا آنجا که به شرایط عینی، و رشد تضادهای طبقاتی و به روحيات و اعمال توده ها باز می گردد می توان مشاهده کرد که شرایط برای تغییر اساسی و واژگونی نظم ضد خلقی موجود به حدی آماده است که امروزه کسی نمی تواند انکار کند که حتی توده ها بیش از هر زمانی به لزوم استقرار یک نظم جدید پی برده اند و حاضر به پیکار برای رسیدن به آن هستند. می بینیم که کارگران و توده های محروم در بسیاری از مواقع، فرسنگ ها جلوتر از روشنفکران خود با شعارها و اعمال رادیکال خویش در صحنه عمل انقلابی علیه حکومت حاضرند و خون می دهند. آیا به جز ماله کشان نظام ضدخلقی هیچ نیرویی می تواند بدون قبول رسوائی ادعا کند که مردم ایران نابودی جمهوری اسلامی با تمام دار و دسته های ضد انقلابی و یک نظام دمکراتیک و مردمی و رهائی بخش فارغ از هر گونه دیکتاتوری استثمارگران را نمی خواهند؟ آیا به جز گردانندگان اتاق های فکر سرمایه داران حاکم و قلم زنان خودفروخته حامی نظام استثمارگرانه موجود و یا سربازان گمنام رسمی و غیر رسمی وزارت اطلاعات می توان نیرویی را یافت که در نفی ضرورت یک انقلاب مردمی سخن پراکنی و فریبکاری کند و از افسانه امکان پذیری اصلاحات دم بزند؟ اما واقعیت این است که آنچه برای حرکت به سوی یک انقلاب اجتماعی نیاز شدید جامعه ماست وجود عامل آگاه یعنی یک نیروی رهبری کننده متشکل و مسلح به تئوری انقلابی می باشد.

درک واقعیات فوق برای هر نیروی مسئول و واقع بین تنها یک راه و وظیفه را مشخص می کند و آن این که بکوشد به هر طریق ممکن به شکل گیری چنین نیروی رهبری کننده یاری رساند. بدون شک هر نیرویی بسته به شرایطی که در آن قرار گرفته است می تواند در راه از بین بردن نقطه ضعف موجود در جنبش تلاش نماید. باید دید که به طور مشخص چگونه می توان به تلاش هایی که در میان جوانان آگاه و روشنفکران مبارز در داخل در جهت بوجود آمدن و رشد یک نیروی انقلابی متشکل و مسلح به تئوری انقلابی جریان دارد، کمک نمود. امروز جامعه ایران به چنین تشکل انقلابی نیازمند است تا در شرایط استیلای دیکتاتوری عریان جمهوری اسلامی در درجه اول مخفی بوده و بکوشد تا با تسلیح خود، و با قرار دادن یک هدف استراتژیک یعنی سازماندهی مسلح توده ها در جهت تشکیل ارتش خلق (آن هم در شرایطی که توده ها در حرکات خودبخودی خود نشان داده اند راه اصلی مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را می شناسند)، با انجام عملیات مسلحانه مناسب شرایط کنونی علیه رژیم حاکم که مانع اصلی پیشرفت جنبش های توده ئی است، راه را برای پیشروی جنبش توده ها، در هم شکستن ارتش ضد خلقی، سرنگونی این رژیم و پیروزی انقلاب با رهبری طبقه کارگر را هموار سازد.

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران شماره ۲۶۹، آذر ماه [قوس] ۱۴۰۰